

تک برگی راه کارگر

روزنامه سیاسی، کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلاب، ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمانگر شماره 192 یکشنبه 17 اسفند 1382 --- 7 مارس 2004



به انگیزه روز جهانی زن

زنده باد آزادی پوشش!

جامعه شناسان نوع پوشش انسانها را تحت تاثیر عوامل جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و عقیده تی (اعم از مذهبی یا غیر مذهبی) ارزیابی میکنند. تحت تاثیر همین عوامل، ما شاهد پوشش ها و لباسهای متنوع در نقاط مختلف جهان هستیم. اما هر چه که به جلوتر میرویم، تحت تاثیر پدید آمدن دهکده جهانی و هژمونی فرهنگی - اقتصادی کشورهای پیشرفته صنعتی، لباس مدرن غربی بدلیل تنوع، راحتی و متناسب بودن آن با زندگی و اشتغال در قرن 20 و 21 بدل به "یونیفرم" جهانی میشود. برای نمونه شلوار جین به رایج ترین لباس زنان و مردان در همه کشورها مبدل شده است. بعلاوه (علیرغم برخی عقب گردها و زیگزاکها در برخی کشورها) در نتیجه این تحولات، تا حدود زیادی از حجم لباس مردم کاسته شده و در عوض بر تنوع آن افزوده شده است. مثلا اگر به تصاویر زنان اروپایی در قرون گذشته نگاه کنیم به وضوح این تحول را مشاهده خواهیم کرد.

بقیه در صفحه 2

به مناسبت روز جهانی زن

مهرانگیز میناخانی

هشتم مارس دیگری رسیده است. هر ساله ما زنان در همه جای دنیا در این روز گرد هم می آیم و مردان آزادیخواه را نیز فرا می خوانیم تا رنجها و نا برابریهای هزاران ساله را بر تن خسته و مجروح خود مرهمی بنهیم.

بقیه در صفحه 4

طرح جدید سازمان عفو
بین الملل برای مبارزه با
خشونت علیه زنان! ص 5



کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - سوند

گزارشی از وضعیت نقض حقوق زنان در ایران، در سالی که گذشت

در قوانین مدنی جمهوری اسلامی، زن جنس دوم و در تصاحب ارث و ارزش وجودی (خون بها) نصف مرد محسوب می شود. این رژیم با امضاء نکردن کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، رسماً و به گونه ای آشکار به اجحاف در حق زنان ایران اقرار دارد. براین مینا می توان سیاهه ای طولانی از نقض حقوق زنان در موارد زیر ارائه داد:

بقیه در صفحه 7

به انگیزه سالگرد کودتای
اسفند 1299 - بخش آخر

= انقراض سلسله قاجار و از بین رفتن
شاهنشاهی استقراری جمهوری =

آرش کمانگر صفحه 10

فعالیت های مربوط به روز
جهانی زن در ایران

صفحه 12

دنباله از صفحه یک

زنده باد آزادی پوشش !

در رابطه با ایران ، چنانکه از برخی تحقیقات تاریخی مستفاد میشود ، زنان ساکن قلمرو امپراتوری ایران تا قبل از حمله اعراب مسلمان و حتی تا سالها بعد از آن ، پوششی شبیه لباسهای محلی رایج در کشورما (نظیر لباس کردی) داشته اند یعنی از چادر و مقنعه و روبند خبری نبود . تنها پس از بلامنازع شدن شریعت اسلامی ، بویژه از دوران صفویه بدینسو بوده که بورقا ، چادر ، مقنعه ، روبند و غیره با حربه جبر و جهل بر زنان حاکم شد که آنهم اساسا در میان زنان شهری و خانه نشین رواج یافت و اصولا زنان روستایی و عشایر بدلیل مشارکت وسیع در کشاورزی و دامداری و دست و پاگیر بودن چادر و چاخچور ، عملا آنرا رعایت نمیکردند و صرفا در حد روسری و لباس بلند محلی ، بدن خود را می پوشانند .

حتی یک سیاح ایتالیایی که در اوایل حکومت صفویان از ایران دیدار کرده مینویسد : زنان ایرانی لباسهایی میپوشند که در قسمت سینه باز است و بدن خود را به نمایش میگذارند ، اما یک مورخ دیگر (شاردن) در مورد پوشش زنان ایرانی در قرن 17 میلادی مینویسد که زنها تمام بدن خود را به استثنای صورت ، دست و پا میپوشانند .

البته برخی مورخین غیر مسلمان (نضیر نیکی آر . کدی) و شماری از مسلمانان نوگرا عقیده دارند که دستوری بنام حجاب در قرآن وجود ندارد ، اما غالب فقهای اسلامی آیه 31 از سوره نور را همان ضرورت حجاب زن - لاقفل در حد پوشاندن موی سر و دورگردن - ارزیابی میکنند که بر همان مبنا در اغلب کشورهای خاورمیانه از جمله ایران عمل میشود .

بعد از تبدیل اسلام به دین حاکم بر کشورمان ، مقاومت در برابر حجاب اسلامی ، اساسا در مناطق روستایی از طریق حفظ لباسهای رنگی بومی خود را جلوه گر میساخت ، در مناطق شهری ، نخستین بارقه های اعتراض را در وجود زنان پیشرویی چون ظاهره قره العین مشاهده میکنیم که بعدها رگه هایی از آن را در جریان انقلاب مشروطه هم شاهد بودیم ، ولی اساسا در دوره رضا شاه بود که لغو حجاب به عنوان یک رفرم دولتی در دستور قرار گرفت .

68 سال پیش در روز 17 دی، رضا خان فرمان معروف به «کشف حجاب» را صادر کرد تا به زور اسلحه و پاسبان، چادر را از سر زنان بردارد و حجاب اسلامی را در اماکن عمومی ممنوع سازد. او این کار را از خانواده خودش شروع کرد و به همسر و دو دختر خود دستور داد که آن روز در

هنگام سخنرانی اش در جشن فارغ التحصیلی پرستاران رشته مامایی، بدون پوشش اسلامی در انظار عمومی ظاهر شوند. از آن روز به بعد خاندان پهلوی 17 دی را به عنوان روز زن یا روز «آزادی زن» نام گذاری کردند و در تمام دوران حکومتشان آن را جشن گرفتند.

بعد از انقلاب 57 و سرنگونی رژیم سلطنتی، جمهوری اسلامی نوپا، این روز و فرمان کشف حجاب را ملغی کرد و به جای آن روز تولد «فاطمه» دختر پیامبر را به عنوان روز زن اعلام نمود و حجاب را در تمامی معابر و اماکن عمومی اجباری دانست.

اما طرفداران واقعی جنبش برابری طلبی زنان هم در رژیم شاهنشاهی و هم در رژیم فقهاتی از منظر دفاع بی قید و شرط از «آزادی پوشش» با هر نوع اجبار و وضع قانون برای تعیین نوع لباس مردم و بویژه پوشش زنان مخالف بوده اند و همدوش با میلیون ها زن در جهان، هشت مارس _روز بین المللی زن_ را به عنوان روز خود محسوب نموده اند. مراسم های باشکوه در سال های نخست بعد از انقلاب ، از جمله راهپیمایی تاریخی اسفند 57 و نیز تلاش مجددی که فعالین جنبش زنان در ایران و به طور علنی طی چند ساله اخیر برای گرمی داشت 8 مارس انجام داده اند، نشان می دهد که نه روز کذایی زن در رژیم شاه و نه چنین روزی در رژیم شیخ، مورد تایید زنان مبارز و برابری طلب ایران نیست.

مبانی حقوق بشر و از جمله اصل مربوط به آزادی های فردی و در اینجا آزادی پوشش حکم می کند که هیچ قانون و قدری نتواند به بهانه عرف گرایی یا شریعت گرایی، حق فردی زنان را برای انتخاب نوع پوشش خود زیر سوال برد. از اینرو هم طرفداران «حجاب اجباری» و هم طرفداران «ممنوع سازی حجاب» با اصل مدنی و دموکراتیک «آزادی پوشش» مخالفند و آن را نقض می کنند.

واقعیت این است که در بسیاری از جوامع موسوم به اسلامی، مبارزه برای آزادی پوشش به یکی از مطالبات ثابت جنبش های آزیخواهانه و فمینیستی میدل شده است و در ایران این جنبش بیشتر از هر جای دیگر قویتر است. معنای روشن این شعار و مطالبه این است که هیچ دولت، گروه سیاسی، مذهب و مرامی نتواند و نباید نوع پوشش خاصی را بر مردم بویژه زنان تحمیل کند و یا آنها را از پوشیدن لباس خاصی ، اعم از چادر، مانتو، شلوار یا مینی ژوپ، منع نماید. این بدان معناست که ما فقط با رژیم های استبدادی اسلامی نیست که سر ستیز داریم بلکه با اقدامات ارتجاعی و ضددموکراتیک رژیم های مدعی سکولاریسم نیز مخالفیم. از همین رو نه تنها با حجاب اجباری در ایران و عربستان و افغانستان و ... مخالفیم بلکه با اقدام دولت آلمان برای جلوگیری از تدریس یک معلم محجبه افغانی الاصل، با تلاش محافظی در اروپا (که هفته پیش از تصویب پارلمان فرانسه گذشت) برای ممنوع سازی حجاب برای دختران دانش آموز، با سیاست دادگستری ترکیه و ارتش

زننده باد آزادی

اسفبارتر زنان در جمهوری اسلامی نمی‌تواند بار گناهان کسانی را بپوشاند که در دوره حکومت سلطنتی، «لوکس بازی» و راه اندازی مسابقه ملکه زیبایی و پخش هرویین توسط اشرف پهلوی را «مدرنیسم» جا می‌زدند و از طرفی دیگر بسیاری از قوانین مرد سالارانه را در قوانین «مدنی و کیفری» کشور حفظ کرده بودند و از طریق سازش با مذهب رسمی _ که قانون اساسی را برخاسته از ذات مقدس آن می‌دانستند _ چشم بر بی حقی و نابرابری‌های عظیم جنسی و طبقاتی اکثریت زنان در جامعه بسته بودند و هرچا هم که نسبت به دیکتاتوری، نابرابری طبقاتی و وابستگی خفت بار به امپریالیسم صدای اعتراضی برخاست، با ساواک جهمی دست آموز «سیا» و «موساد» به سراغ مخالفان رفتند و از جمله صدها تن از زنان چپ و مبارز را به زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و حتی تجاوز جنسی کشیدند.

بنابراین هیچ زن و انسان ترقیخواهی در ایران نمی‌تواند 17 دی این سمبل رژیم ستم شاهی را روز خود بنامد و سالروز اقدام «آتاتورکی و قزاق‌گونه» کشف حجاب را با روز واقعی آزادی زن و از جمله آزادی بی‌قید و شرط پوشش، اشتباه گیرد.

سردبیر -- 5 مارس



آن کشور برای جلوگیری از حجاب اختیاری دختران دانشجو و بنابراین با اعمالی نظیر فرمان کشف حجاب رضاخان در 1314 نیز مرزبندی قاطع داریم زیرا ما «استبداد مثبت» را به رسمیت نمی‌شناسیم.

رضا خان البته اقدام خویش را تحت تاثیر سیاست‌های آتاتورک در ترکیه که به بهانه مبارزه با عقب ماندگی و تلاش برای اروپایی کردن کشور، بی‌رحمانه‌ترین جنایات را علیه مذهبی‌ها، کردها و ارمنه مرتکب شده بود و یک استبداد لایبک برپا کرده بود، انجام داد. فرمانی که به موجب آن خیل پاسبان‌ها و گزمنگان رژیم در خیابان‌ها و کوچه‌ها و اماکن برآه افتادند تا به زور اسلحه و باتوم و تحقیر و توسری، چادر و روسری را از زنان بگیرند. رضاخان در دوره‌ای حتی تلاش نمود مردان _بوژیه کارکنان دولت_ را نیز به پوشیدن لباس‌ها و یونیفرم‌ها و کلاه‌های خاصی وادار کند. حال آنکه یک رژیم مبتنی بر دموکراسی و آزادی‌های فردی و اجتماعی، به جای این کار سعی می‌کرد از طریق روشنگری و تبلیغات علمی و آگاه‌گرانه، به نقد اشکال و مناسبات سنتی حاکم بر جامعه ایران و از جمله پدیده بی‌معنا، ارتجاعی و مردسالارانه حجاب زنان بپردازد، بی آنکه مرتکب هیچگونه خشونت و ممنوع سازی شود. رضاخان فکر می‌کرد از طریق آن نوع قلدرمآبی‌ها می‌تواند کشور ما را «متمدن» کند. حاصل آن نوع مدرن سازی‌های ارتجاعی این شد که چند دهه بعد مردم ایران در انقلاب ضد سلطنتی خویش، عنان اختیار خود را به دست کسانی سپردند که مستقیماً از قرون وسطی برآمده بودند. البته باید به این مساله اشاره نمود که علیرغم هیاهوی فعلی سلطنت‌طلبان در مورد واقعه کشف حجاب، جانشین رضاخان _محمد رضا پهلوی_ وقتی بر تخت جلوس نمود، اندکی سیاست‌های پدر را تعدیل داد و ضمن به بازی گرفتن روحانیون و پرداخت حقوق به آنها از بیت المال، اسم ولیعهدش را نیز به احترام امام هشتم شیعیان «رضا» نامید و مرتباً به زیارت مکه و مشهد و ... می‌رفت و از جیب ملت، میلیون‌ها خرج گلاب پاشی و نونوار کردن آنها می‌کرد. در آستانه انقلاب بهمن نیز «شهبانو فرح» برای جلب رضایت مردم تحت امر خمینی، با روسری اسلامی به زیارت کربلا رفت تا اندکی از خشم رهبری مرتجع انقلاب در مورد واقعه کشف حجاب بکاهد. اکنون اما که بحران سیاسی و نارضایتی عمومی و از جمله عظیم‌ترین نافرمانی مدنی زنان و جوانان کشورمان تمام ایران را فرا گرفته است و کل منطقه در یک التهاب کامل به سر می‌برد، سلطنت‌طلبان فرصت را غنیمت شمرده‌اند تا جنس بدل خود _17 دی_ را به جای 8 مارس روز جهانی زن، به جنبش حق خواهی و برابری‌طلبی زنان ایران تحمیل کنند تا بگویند «جد بزرگوار» «ما پیشاهنگ آزادی زنان در ایران بوده است. ولی واقعیت این است که وضعیت

دنباله از صفحه یک

به مناسبت روز جهانی زن

در این روز از مبارزات گذشته و از دستاوردهای آن سخن می‌گوییم و به راه دراز مانده در پیش نظری می‌افکنیم، و با فکر جمعی خود برای مشکلات در پیش، چاره جویی می‌کنیم. مبارزه و حرکت، روز به روز و لحظه به لحظه در جای جای این کره خاکی در جریان است و این روز سمبلی برای موجودیت این جنبش است.

پس از هزاران سال که زنان همچون سایه ای در پستوهای خانه نادیده گرفته می‌شدند با صنعتی شدن جامعه فرصتی برای ابراز وجود یافتند، وارد بازار کار شدند و خواهان حقوق برابر. هاشم مارس 1907 فریاد دادخواهی‌شان به گوش همه جهان رسید و در سال 1910، دومین کنفرانس زنان سوسیالیست این روز را به نشانه همبستگی و پشتیبانی جهانی از مبارزات و مطالبات کارگران زن صنایع نساجی امریکا، جهت کسب حقوق مساوی با مردان به نام روز زن نامگذاری کرد.

در ایران سال 1301 از طرف جمعیت «بیک سعادت نسوان» در شهر رشت و سپس در سال 1305 توسط جمعیت «بیداری زنان» جشن گرفته شد.

بیداری زنان و جنبشهای برابری طلبی از زمان قاجار که عده ای از زنان اشراف توانستند به اروپا مسافرت کنند و بعد از بازگشتی مدارس دخترانه که معلمان فرانسوی در آن تدریس می‌کردند، آغاز شد. در انقلاب مشروطه آگاهی و مطالبات زنان به اوج خود رسید و برابری زن و مرد در کنار خواست آزادی و دموکراسی از مطالبات اولیه ملت ایران شد.

در جریان انقلاب مشروطه 13 کانون و سازمان بوجود می‌آید. «اتحادیه غیبی نسوان» در این دوره خواهان تضمین حق زنان در قانون اساسی می‌گردد. بی‌خانم یکی از مبارزان زن دوران مشروطه خواهی اولین زنی است که شدیداً به فرهنگ مردسالاری می‌تازد و در همین رابطه رساله «معایب الرجال» را منتشر می‌کند.

با به قدرت رسیدن رضا خان قلدر، تمامی جنبشها از جمله جنبش زنان سرکوب می‌شوند و نقش زن با شعار «مادر، مطبخ، میهن» از سوی دولتیان تعریف می‌شود. فرمان رفع حجاب اجباری در واقع برای مسخ کردن خواست برابری زن و مرد و واکنشی در برابر خواستهای زنان روشنفکر بود. با تضعیف شدن حکومت پهلوی سال 1320 «تشکیلات دموکراتیک زنان» که وابسته به حزب توده بود تشکیل می‌گردد و در دوره قبل از کودتای 28 مرداد وسیع ترین سازمان علنی زنان به حساب می‌آید، در سال 1321»

جمعیت زنان» و در سال 1323 «حزب زنان» توسط صدیقه دولت آبادی تاسیس می‌گردد. سال 1332 با کودتای 28 مرداد دوباره مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران به زیر تیغ خفقان و سرکوب می‌رود. محمد رضا شاه هم با ایجاد سازمانهای وابسته و انتشار مجلاتی چون زن روز و اطلاعات بانوان می‌خواست و واکنشی در برابر حرکت پیش رونده زنان انجام داده باشد و به اصطلاح زنان روشنفکر را خلع سلاح کند.

ارائه الگوی غربی از نظر شکل و ظاهر همراه با ابتدال فرهنگی و به لجن کشیدن انسانیت و حرمت زنان و عدم حضور جنبش مستقل زنان به دلیل سرکوب شدید، همانا زمینه ساز آن شد که بعد از انقلاب شکوهمند 57 زنان که سهم بزرگی در پیروزی انقلاب داشتند، همراه ملت ایران به آلترناتیو اسلامی روی بیاورند. انقلاب ایران در آغاز سیاسی و نه اسلامی بود و مردم بدون شناخت هیولای بنیادگرای اسلامی، حکومت اسلامی را با دستهای خود و بر روی خون فرزندانیشان بالا بردند.



جمهوری اسلامی با استقرار و مهتر از آن با تسلیح شدن، 25 سال است که سرنوشت مردم ایران را به دست گرفته است.

«جمعیت بیداری زنان» و «جمعیت زنان مبارز» در پروسه انقلاب نخستین سازمانهایی بودند که اعلام موجودیت کردند. گروهی دیگر از زنان در 8 فروردین 58 با نام «اتحاد ملی زنان» اعلام موجودیت کردند. 8 مارس 57 پس از سالیان دراز خفقان، مراسم روز جهانی زن برگزار و نقطه عطفی در حوادث انقلاب 57 شد. به دنبال این مراسم، خمینی از دولت بازرگان خواست که «انقلابی» عمل کند و اجازه ندهد که زنان مثل زمان طاغوت لخت وارد ادارات شوند و کار کردن زنان را در صورتی مجاز دانست که «حجاب اسلامی» را رعایت کنند.

پس از آن با تدوین قانون اساسی بر اساس شرع اسلام، زنان به شهروندان درجه دوم تبدیل شدند. حجاب اجباری، حق طلاق یک جانبه برای مرد، قوانین مربوط به ارث، دیه، شهادت و قضاوت و حضانت کودک همگی از شرع اسلام گرفته شد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی مندرج شد. بدین ترتیب سیستم مردسالاری سنتی و کهن از مذهب و قانون

طرح سازمان عفو بین الملل برای مبارزه با خشونت علیه زنان

بنا بر یک نظرسنجی در بریتانیا از هر سه مراجعه کننده زن به بخش اورژانس بیمارستان ها در این کشور، یکی در اثر خشونت خانوادگی آسیب دیده است. ارقام ارائه شده توسط سازمان خیریه "پناه"(Refuge)، حاکی از آن است که از هر چهار زن بریتانیایی یکی در طول عمر خود کتک خورده است. همچنین از هر ده زنی که در این نظرسنجی اذعان کرده که مورد خشونت همسر یا شریک زندگی خود قرار گرفته، یک نفر جان خود را در خطر می دیده است. سازمان "پناه" این گونه نظرسنجی ها را مفید ارزیابی می کند و می گوید در حالی که در انگلستان و ویلز در هر هفته دو زن به دست شوهران فعلی یا سابق خود کشته می شوند گزارش هایی از این دست باعث خواهد شد خشونت خانوادگی موضوعی پنهانی باقی نماند و علنی شود. پلیس لندن می گوید در هر ماه 7650 مورد از خشونت خانوادگی علیه زنان گزارش می شود که شامل هتاک، مضیقه مالی، منع از معاشرت با دوستان و فامیل، تجاوز جنسی و کتک می شود.

عفو بین الملل، سازمان مدافع حقوق بشر، روز جمعه، 5 مارس، اجرای یک طرح جهانی را با عنوان "خشونت علیه زنان را پایان دهیم" آغاز کرده است. این ابتکار جدید، که در آستانه روز جهانی زن (8 مارس) به مرحله اجرا در می آید، بیش از دیگر مظاهر خشونت علیه زنان به موضوع خشونت علیه آنان در زمان جنگ و در خانه توسط بستگان و نزدیکان می پردازد.

آنیکا فلنزیبورگ، مسئول امور مطبوعاتی عفو بین الملل در طرح منع خشونت علیه زنان این سازمان، می گوید: "زنان، صرفاً به این دلیل که زن هستند مورد خشونت قرار می گیرند. خشونت علیه زنان و دختران در جوامع غربی اشکال مختلفی دارد. تبعیض، کتک، سوء رفتارهای روانی، که می تواند به صورت تحقیر و سلب آزادی های فردی و حمله به عزت نفس آنان باشد، از جمله خشونت هایی است که عمدتاً بستگان نزدیک مانند

نیرو گرفت. احیای حقوق زنان و تأمین حقوق شهروندی در ایران در درجه اول مشروط به تغییر قانون اساسی و پایبندی دولت به حقوق بشر و مفاد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان است. و این به معنی سرنگونی رژیم اسلامی است.

رنجی که زنان از نابرابری متحمل می شوند از قوانین نوشته شده و هم نانوشته نشأت میگیرد. و این بدین معنی است که با دور ریختن قوانین ارتجاعی مبارزه به پایان نمی رسد بلکه تازه مبارزه در عرصه فرهنگی آغاز می شود.

وجود سازمانهای مستقل زنان و فعالیت آنها و برگزاری مراسم روز جهانی زن در 8 مارس هم در حکومت پهلوی و هم جمهوری اسلامی تابو بوده است.

حکومت پهلوی الگوی زن مبتذل و حکومت اسلامی زن محجبه و سنتی را ارائه داده اند. زن، انسانی مستقل که می اندیشد، انتخاب می کند، متشکل می شود و مبارزه می کند، برای حکومتهای دیکتاتور خطری بزرگ است و بی جهت نیست که توتالیترها قسمت بزرگی از نیروی خود را صرف به انقیاد کشیدن زنان می کنند.

دختران و زنان جوان ایرانی با اشغال دانشگاهها، با تسخیر عرصه ارتباطات در اینترنت، با عقب کشیدن روسریهای خود، با شکستن تابوی طلاق و سنت سوختن و ساختن و با تجمعات خود و برگزاری مراسم روز زن در سالهای اخیر و با ایجاد کمپین مبارزه با خشونت، آگاهی فمینیستی را در میان خود گسترش می دهند.

هشتم مارس روز جهانی زن را گرامی می داریم و عزم خود را بیش از گذشته جزم می کنیم و به سالها و روزهای بهتر امید می بندیم. روزهایی که در سایه همت خودمان برابری حقوقی و شهروندی زنان و مردان تأمین شود. آینده در دستهای ماست، با آگاهی و همبستگی آن را زیبا و انسانی خواهیم ساخت.



تصویری از تظاهرات تاریخی زنان تهران در اسفند 57 یکماه پس از روی کار آمدن رژیم زن ستیز اسلامی

در سال 1977 میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد از کشورهای جهان خواست تا طبق سنن و رسوم تاریخی و ملی خود، یک روز از سال را به عنوان روز سازمان ملل برای حقوق زنان و صلح جهانی اختصاص دهند. از کشورها در سراسر جهان خواسته شد شرایطی را فراهم کنند که تمام اشکال تبعیض علیه زنان متوقف شود و آنها نیز بتوانند با حقوقی برابر با مردان در توسعه اجتماعی به طور کامل مشارکت داشته باشند. این اقدام سازمان ملل در آستانه سال جهانی زن (1975 میلادی) و دهه سازمان ملل برای زنان (1976 تا 1985)، که از سوی مجمع عمومی اعلام شده بود، صورت گرفت.

سازمان ملل متحد نظارت بر روز جهانی زن، هشتم مارس، را از سال 1975 آغاز کرده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد همچنین بیست و پنجم نوامبر را روز جهانی منع خشونت علیه زنان اعلام کرد و از تمام دولت های جهان، سازمان های بین المللی و غیر دولتی دعوت کرد تا هر ساله در این روز برای افزایش آگاهی عمومی درباره این معضل اجتماعی طرح هایی را به اجرا در آورند.

→ شوهران علیه آنان اعمال می کنند." او معتقد است در کشورهای غربی الگوی مشابهی از انواع خشونت علیه زنان وجود دارد: "خشونت علیه زنان عموماً پنهان است و بسیاری از زنان در این جوامع، از بیان آنچه بر آنها می گذرد، شرم دارند و سکوت اختیار می کنند. تعداد بسیار کمی حاضرند درباره رفتار خشونت آمیزی که علیه آنان اعمال می شود، حرف بزنند. غالب نمونه هایی که از خشونت علیه زنان وجود دارد در خانه و توسط همسران و نزدیکان آنها صورت می گیرد."

خانم فلنزیبورگ حمایت قانون از زنان در غرب را در سال های اخیر بهتر ارزیابی می کند اما نقطه ضعف اصلی را در تشخیص علائم این خشونت ها می داند: "نظام قضائی در غرب خیلی از رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان را به رسمیت نمی شناسد. در حالی که زنان حق انتخاب چندانی ندارند و در ازای ترک همسر یا شریک زندگی خود - که تصمیمی بسیار دشوار است - راه دیگری در پیش رو نمی بینند و تعداد خانه های امن هم کم است، آموزش ها و گفتگوهای علنی در این باره باعث شده که دختران و زنان متوجه بشوند که مورد خشونت قرار گرفتن در خانه یک وضعیت عادی و توجیه پذیر نیست. حالا، در بسیاری از کشورهای غربی از جمله سوئد، که قوانین خوبی برای حمایت از زنان وضع شده است، دختران بیش از پیش می دانند که تقصیر آنها یا مادرانشان نیست که مورد خشونت قرار می گیرند."

مسئول امور مطبوعاتی عفو بین الملل در رابطه با طرح منع خشونت علیه زنان می گوید: "خشونت علیه زنان بزرگترین رسوائی حقوق بشر در عصر جدید است. این معضل فراگیر و شامل تمام فرهنگها، ادیان، جوامع فقیر و غنی می شود. سازمان عفو بین الملل بر این باور است که خشونت علیه زنان ممکن است معضلی جهانی باشد اما چاره دارد و می توانیم آن را متوقف کنیم."

خانم فلنزیبورگ بازنگری قوانین کشورها را از اولین راه های مبارزه با خشونت علیه زنان می داند: "نقاط ضعف قانونی باید آشکار و رفع شود. باید دولت ها تحت فشار گذاشته شوند تا قوانین را عوض کنند. اما در سطوح پایین تر و با همکاری سازمان های غیردولتی باید به زنان و همینطور مردان آگاهی داده شود. حضور و نقش مردان در مبارزه با خشونت علیه زنان اساسی است. مردان هم باید وادار شوند سکوت خود را بشکنند."

با ما ارتباط بگیرید

سر دبیر تک برگی

arash.k@rahekgar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekgar.net

تلفن عمومی سازمان 49-40-6777819

شماره فاکس سازمان 33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekgar.net

کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - سوئد

گزارشی از وضعیت نقض حقوق زنان در ایران در سالی که گذشت

گزارش زیر بخش بسیار کوچکی از موارد نقض حقوق زنان در ۱۲ ماه اخیر در ایران است که توسط این کمیته گردآوری شده و ما با اندکی تلخیص، اقدام به انتشار آن مینمائیم.

فعالین جنبش دانشجویی:

۱ - بدنبال اعتراضات دانشجویی تعداد زیادی از دانشجویان توسط مأموران امنیتی دستگیر شدند. اسامی چند تن از دانشجویان دختر که توسط کمیته های انضباطی دانشگاهها مجازات شده اند عبارتند از: زهرا توحیدی دانشجوی دانشگاه بوعلی سینا همدان، ویدا مجد دانشجوی دانشگاه سهند تبریز، فاطمه بلبل پور دانشجوی دانشگاه بهشتی تهران، شیرین ملک حسینی دانشجوی دانشگاه اراک، خاتم کرمی دانشجوی دانشگاه شیراز. (امیرکبیر ۸۱/۱۲)

۲ - آزاده ضیایی دانشجوی دانشگاه یزد، به شعبه ۴ دادگاه انقلاب یزد احضار شد. شاکیان نامبرده، بسیج دانشجویی و نهاد نمایندگی ولی فقیه می باشند. (امیرکبیر ۸۲/۱۱)

۳ - پگاه حمزه ای دانشجوی سال اول دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران توسط نیروی انتظامی بازداشت شد. (ایسنا ۸۲/۱۱/۲۰)

۴ - آثر خیراللهی و انسیه حمزه زاده از اعضای هیئت تحریریه نشریه دانشجویی «بول (راه)» در حال عزیمت به قلعه بابک توسط نیروهای انتظامی، به مدت پنج ساعت بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفتند. (کمیته دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجان ۸۲/۴/۱۵)

۵ - سحر مرادی دانشجوی دانشگاه ارومیه به اتهام تخریب اموال عمومی، سلب آسایش مردم، ارتباط و گزارش دادن به رادیوهای بیگانه، سر دادن شعارهای غیر قانونی، اقدام علیه امنیت ملی و شرکت در تجمع غیر قانونی محاکمه خواهد شد. (ایسنا ۸۲/۴/۱۵) گفتنی است که یکی از دانشجویان آزاد شده اعلام کرد که وی و سایر دانشجویان بازداشتی در زندان، در جریان بازجوییها، تحت شکنجه های جسمی و روحی شدید قرار گرفته اند. (امیر کبیر ۸۲/۴/۱۸)

۶ - الهام نصوتی و خواهر او از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه باهنر کرمان، توسط مأموران امنیتی لباس شخصی بازداشت شدند. همچنین مرضیه صمیمی عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه به اداره اطلاعات احضار گردید. (امیر کبیر ۸۲/۴/۱۸)

۷ - سمیرا صدری دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا و عضو شورای دفتر تحکیم وحدت، از سوی قاضی سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب تهران به دادگاه احضار شد. همچنین فاطمه بلبل پور و فاطمه بابک جوانی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بهشتی به دادگاه احضار شدند. (امیر کبیر ۸۲/۴/۲۴)

۸ - منیره بهارلو، سحر صدیقی و مرضیه آریانفر از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان به دادگاه عمومی احضار شدند. (ایسنا ۸۲/۷/۶)

۹ - خاتم ها لیلیا رمضان زاده، سمیه گودرزی، زهرا جاتی پور، رضایی پور و شریعتی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان توسط وزارت اطلاعات بازداشت شدند. (امیرکبیر ۸۲/۴/۲۰)

۱۰ - نشریه دانشجویی «پرنیان» به علت چاپ ویژه نامه «فروغ فرخزاد» از سوی کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه قم برای مدت ۱۰ ماه توقیف گردید. (نقشینه ۸۲/۸/۲۷)

۱۱ - امتیاز نشریه دانشجویی «رهگذر» به مدیر مسئولی سونیا نوری توسط کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه ارومیه، لغو گردید. (ایسنا ۸۲/۱۰/۱۳)

۱۲ - پریسا نصرت آبادی دانشجوی دانشکده حقوق دانشگاه تهران و سردبیر نشریه دانشجویی «جوان» توسط مأموران امنیتی لباس شخصی ربوده شد. از محل بازداشت وی اطلاعی در دست نیست. (امیر کبیر ۸۲/۳/۳۱)

۱۴ - علی اکبر موسوی خونی نماینده مجلس اعلام نمود که فرشته علیزاده دانشجوی دانشگاه الزهرا در جریان سرکوب دانشجویان در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ توسط مأموران امنیتی ربوده شد و هیچ نهادی مسئولیت آن را به عهده نمی گیرد. مادر این دانشجو بر اثر فشارهای روحی سخته قلبی کرد و درگذشت. (امیرکبیر ۸۱/۱۲/۱۱)

فعالین سیاسی اجتماعی

۱۴ - نرگس محمدی از فعالین «ملی - مذهبی» به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، توهین و افترا به مسئولان نظام به ویژه قوه قضائیه به علت مصاحبه با رادیوهای بین المللی فارسی زبان به یک سال حبس تعلیقی محکوم گردید. (ایسنا ۸۲/۳/۲۳)

۱۵ - دفتر مؤسسه نواندیش به مدیریت فیروزه صابر که یک نهاد پژوهشی بود به دستور دادستان تهران پلمپ شد. (اطلاعیه ملی - مذهبی ۸۲/۳/۲۶)

۱۶ - مرضیه مرتضی لنگرودی از فعالان «ملی - مذهبی» به اتهام اقدام علیه امنیت کشور از طریق شرکت در ائتلاف «ملی - مذهبی»، تشویش اذهان عمومی، تبلیغ علیه نظام، توهین به مسئولان، شکاف بین جناحها و مسئولان نظام، شرکت در جلسات علنی و غیر علنی فعالان «ملی - مذهبی» و جنبش مسلمانان مبارز در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی حداد محاکمه شد. (ایسنا ۸۲/۱۰/۱۵)

۱۷ - خاتم مه لقا فخرآور خواهر دانشجوی زندانی امیرعباس فخرآور به دلیل اطلاع رسانی درباره اعتصاب غذای امیر عباس فخرآور در زندان قصر تهران توسط مأموران امنیتی بازداشت شدند. (جنبش ۸۲/۳/۲۶)

۱۸ - خاتم نجمه امیدپرور دبیر سازمان باتوان «حزب آینده سازان ایران» در شیراز به اداره اطلاعات این شهرستان احضار شد. (حزب آینده سازان ایران ۸۲/۱۰/۱۳)

۱۹ - مراسم سخنرانی شیرین عبادی در دانشگاه الزهرا، با حمله و ضرب و شتم دانشجویان توسط دختران بسیجی به هم خورد. (ایسنا ۸۲/۹/۱۲)

۲۰ - سیمین محمدی خواهر اکبر و منوچهر محمدی از دانشجویان زندانی که برای ملاقات از شهرستان آمل به تهران آمده بودند، توسط مأموران اطلاعاتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. (ایسنا ۸۲/۴/۲۱)

۲۱ - سهیلا حمید نیا همسر محمدمحسن سازگارا به شعبه ۱۲ دادرسی عمومی و انقلاب تهران احضار شد. (ایسنا ۸۲/۴/۴)

۲۲ - فریبا داوودی مهاجر روزنامه نگار، توسط شعبه ۳۶ دادگاه انقلاب تهران در دادگاه اولیه به دو سال حبس تعزیری محکوم شد. دادگاه با اشاره به زن بودن وی، این حکم را برای سه سال به حال تعلیق در آورد. اتهامات نامبرده عبارتند از: اقدام علیه امنیت داخلی کشور، فعالیت تبلیغی علیه نظام، راه اندازی تجمعات دانشجویی، تهیه ی طومار جهت آزادی یکی از زندانیان، جمع آوری دانشجویان برای اعزام به قم و گرفتن دست خط از مراجع، ترتیب دادن تحصن مقابل مجلس، ارتباط با بیت آیت الله منتظری و اعلام تقلید از ایشان و طرح ریزی برای روزه ی سیاسی دانشجویان. (ایسنا ۸۲/۷/۴)

۲۳ - خاتم هدی طاهری در رابطه با پرونده مادرش به دادگاه انقلاب قزوین احضار شد. مادر نامبرده فاطمه قزاقی به جرم شرکت در اعتراضات خرداد ماه به ۲ سال زندان محکوم شده است. (جبهه دمکراتیک ایران ۸۲/۷/۱۷)

۲۴ - پریسا بابایی فر شاعر و نویسنده به دادگاه انقلاب تبریز احضار شد. (۸۲/۲/۱۵)

۲۵ - مسئولین و گردانندگان «جبهه پیرو خط امام و رهبری» پس از انتخاب بهاره شهیدی، دانشجویی که در انتخابات شورای شهر آمل توانست رأی لازم را به دست آورد به بهانه آرایش غلیظ خواستار رد صلاحیت وی شدند. همچنین یک دختر در

۳۵- شقایق ابوفاضلی خبرنگار هفته نامه های « سینما » و « سینما جهان » ، توسط مأموران اداره اماکن نیروهای انتظامی دستگیر شد. (امیرکبیر ۸۲/۱/۱۲)

۳۶- معصومه علی نژاد خبرنگار پارلمانی روزنامه « همبستگی » به علت درج مطلبی تحت عنوان « لباس شخصی ها در خدمت پالایش نظام » و افشای رابطه لباس شخصی ها با سپاه پاسداران و بسیج به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی در شعبه ۱۴۱۰ محاکمه شد. شاکی این پرونده ستاد مشترک سپاه پاسداران می باشد. (امروز ۸۲/۵/۲۲)

فعالین فرهنگی هنری

۳۷- مریم روستا ، یاسمن صوفی ، سپیده ابرو آویز ، نرگس ویشکانی و عسل ثمری هنرپیشگان و دست اندرکاران امور سینمایی ، توسط مأموران اداره اماکن نیروی انتظامی احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. (اسفند ۸۱)

۳۸- گوهر خیراندیش بازیگر با سابقه تئاتر و سینما به جرم بوسیدن یک بازیگر جوان هنگام اهدای جایزه ، براساس قانون مجازات اسلامی به ۷۴ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شد. (یاس نو ۸۲/۲/۲)

۳۹- فرزانه کابلی کارگردان نمایش « امین » به همراه ۲۶ نفر از اعضای گروهش روی صحنه در حین اجرای مراسم در تالار وحدت توسط نیروی انتظامی بازداشت شدند. زیلا مهرجویی طراح لباس و گیتی روحانی مجری مراسم از جمله بازداشت شدگان می باشند. گفتنی است که کلیه بازیگران و عوامل این نمایش را بانوان تشکیل می دادند و اجرای آن نیز ویژه بانوان بوده است . خاتم کابلی با قرار وثیقه ۱۰ میلیون تومانی آزاد شد. (ایسنا ۸۲/۱۰/۴)

۴۰- دومین نمایش زنده لباس های سنتی به دستور اداره اماکن نیروی انتظامی تهران در دومین روز نمایش آن پلمپ شد. « مهلا زمانی » مدیر این برنامه و طراح لباس های سنتی ایرانی که طی ۱۱ سال تحقیق روی این لباس ها دومین نمایش زنده لباس را به مدت ۳ روز برگزار می کرد از ظهر دیروز که به اداره اماکن تهران احضار شده بود ، بازداشت شد و شب گذشته با قرار وثیقه آزاد شد. (امروز ۸۲/۷/۱۰)

۴۱- سینما « تربیت » قم به علت نمایش فیلم « واکنش پنجم » به کارگردانی تهمینه میلانی به آتش کشیده شد. در این فیلم کوشش شده است تا مشکلات زنان را در ایران از نظر حقوقی به رشته تصویر در آورد. (خراسان ۸۲/۳/۱۲)

قتل زیر شکنجه

۴۲- زهرا کاظمی عکاس و خبرنگار مجله « رکتور روسو » که تابعیت ایرانی کانادایی دارد ، بر اثر شکنجه در زندان در بیمارستان سپاه پاسداران به قتل رسید. (رویداد ۸۲/۳/۲۲)

اجرای حکم اعدام

۴۳- یک زن به اتهام تشکیل خانه فساد ، بدستور شعبه ۱۸ دادگاه عمومی قزوین و با تأیید دیوانعالی کشور در زندان قزوین به دار آویخته شد. (قدس ۸۲/۱۱/۶)

۴۴- زینت السادات ۳۴ ساله ، معروف به (سودابه) به جرم قتل ، پس از محاکمه در دادگاه جنایی به دو بار قصاص و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. که پس از تأیید حکم از سوی دیوان عالی کشور ، سحرگاه دیروز در یکی از زندانهای تهران به دار آویخته شد. (اعتماد ۸۲/۷/۱۷)

صندوق حکم اعدام

۴۵- زنی بنام فاطمه به اتهام قتل همسر موقتش (بنام مسعود) توسط شعبه ۱۶۰۱ مجتمع جنایی تهران به ریاست قاضی کوه کمره ای محکوم شد. این حکم از جانب دیوانعالی کشور مورد تأیید واقع شد. (یاس نو ۸۲/۱/)

شاهرود ، سه زن در اهواز ، و از طرف جبهه ذکر شده خواستار رد صلاحیت شدند. (امیرکبیر ۸۱/۱۲/)

روزنامه نگاران

۲۶- ساقی باقری نیا مدیر مسنول روزنامه توقیف شده « آسیا » به اتهام اشاعه منکرات ، چاپ تصاویر خلاف عفت و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه مطبوعات تهران ، به ریاست قاضی محمد اسلامی محاکمه شد . مدعی العموم ، سازمان بازرسی کل کشور ، فروشگاه زنجیره ای رفاه و انجمن چشم پزشکی جمهوری اسلامی از جمله شاکیان این نشریه می باشند. ایرج جمشیدی سردبیر روزنامه ، ۸ ماه است که در زندان به سر می برد و بیماری قلبی نامبرده در زندان شدت گرفته است. وکیل مدافع وی وضعیت روحی جمشیدی را نگران کننده اعلام کرده است. گفتنی است که جرم واقعی این روزنامه چاپ عکس مریم رجوی می باشد. (یاس نو ۸۲/۱/۹)

۲۷- سکینه کریم خانی مدیر مسنول نشریه « آهنگ زندگی » به اتهام انتشار مطالب خلاف عفت و اشاعه فحشاء ، با شکایت مدعی العموم در شعبه ششم بازرسی کارکنان دولت توسط بازررس حسینیان مورد بازجویی قرار گرفت . (یاس نو ۸۲/۱۱/۱۵)

۲۸- مهناز هویدا مدیر مسنول هفته نامه « رایزن جوان » به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی با شکایت شهردار سابق کرج در شعبه ۱۰۸۳ در دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی محمد اسلامی محاکمه شد. (یاس نو ۸۲/۱۰/۱۸)

۲۹- فائزه شریف جوزانی صاحب امتیاز و مدیر مسنول هفته نامه « صدا » به دلیل چاپ مقاله ای با عنوان «خودمحروری و مطلق نگری» در تاریخ ۱۳۷۹/۵/۲۲ به اتهام توهین به مقدسات و نشر اکاذیب در شعبه ۲۵ دادگاه عمومی اصفهان ، ۴ سال از فعالیت مطبوعاتی محروم شد. (ایسنا ۸۲/۹/۲۲)

۳۰- ماهنامه « زنان فردا » به مدیر مسنولی فرانک محمودی پس از انتشار سه شماره برای تغییر خط و مشی تحت فشار قرار گرفت. فشارها از طریق هیئت نظارت بر مطبوعات ، گروه بازرسی وزارت اطلاعات ارشاد و تبلیغات و رسانه های گروهی سازمان بازرسی کل کشور اعمال می شود. اتهامات این نشریه عبارتند از : استفاده ابزاری از تصویر زن ، سست کردن بنیاد خانواده ، اشاعه فحشاء و بی بند باری و ترویج فرهنگ مبتذل غرب ، تبلیغ موسیقی غربی غیر مجاز و ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی. (سایت زنان ایران ۸۲/۲/۲۷)

۳۱- مرجانه سخاوتی مدیر مسنول هفته نامه « فکر روز » به جرم چاپ عکس یک زن موتور سوار با شکایت نیروی انتظامی در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه مطبوعات به ریاست قاضی جوزانی تفهیم اتهام شد. (ایسنا ۸۲/۴/۲۱)

۳۲- ژاله اسکویی مدیر مسنول نشریه « پنجشنبه ها » با شکایت مدعی العموم در شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران محاکمه شد. (ایسنا ۸۱/۱۲/)

۳۳- شادی صدر روزنامه نگار فعال در امور زنان و وکیل دادگستری به علت سخنرانی در باره کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ، در دانشگاه خمینی قزوین در آبان ماه ۸۲ ، به اتهام توهین به مقدسات در شعبه یک دادگستری قزوین مورد بازجویی قرار گرفت . (ایسنا ۸۲/۱۱/۲۵)

۳۴- توکا ملکی نویسنده ی کتاب « زنان موسیقی ایران » ، بنفشه سام گیس نویسنده « روزنامه ایران » ، ملیحه مغازه ای مترجم کتاب « زنان پرده نشین » توسط دادرس شعبه ۱۴۱۱ دادگاه عمومی تهران ، به عنوان متهمان ردیف اول تا سوم شناخته شدند . سام گیس و ملکی هر یک به یک سال حبس تعزیری ، مغازه ای به ۱۸ ماه حبس تعزیری و محرومیت از امور فرهنگی محکوم شدند. (ایسنا ۸۲/۵/۱۸)

۵۳- فاطمه حقیقت جو نماینده مستعفی مجلس شورای اسلامی از تهران ، بدلیل تحریم انتخابات مجلس توسط وزارت اطلاعات مورد بازجویی قرار گرفت. بازجویان به وی گفته بودند : شرکت در انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی مورد تأکید ولی فقیه است و چنانچه هر کس بحث عدم شرکت را مطرح کند با آنها برخورد خواهد شد. (ایلنا ۸۲/۱۱/۲۸)

۵۴- انصار حزب الله نیشابور با تجمع در برابر فرهنگسرای سیمرغ و با شعارهای مرگ بر ضد ولایت فقیه و مانع سخنرانی فاطمه راکعی نماینده تهران در مجلس شدند. شورای تأمین امنیت شهرستان به بهانه دلایل امنیتی مجوز برگزاری مراسم را لغو نمود. (ایسنا ۸۲/۳/۱۳)

۵۵- انصار حزب الله مشهد مانع سخنرانی الهه کولامی نماینده تهران در مجلس شدند. این مراسم از جانب انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه های فردوسی و علوم پزشکی مشهد سازماندهی شده بود. (رویداد ۸۲/۳/۱۳)

۵۶- شهربانو اماتی ، عضو فراکسیون زنان مجلس گفت : «برخلاف گفته رئیس مجلس ، طرح الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان از دستور کار مجلس خارج و بایگانی شده است». وی افزود : « افرادی با برداشت های اشتباهی که از این طرح داشتند اجازه مطرح شدن آن را در مجلس ندادند». (ایسنا ۸۲/۱/۱)

۵۷- فاطمه راکعی ، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در دادگاه کیفری تهران محاکمه شد. (امروز ۸۲/۷/۸)

اجرای حکم شلاق

۵۸- دختر ۱۳ ساله ای به نام نسیم به جرم ۱۰ روز فرار از خانه به همراه دوست پسرش در شعبه ۱۱۵۸ دادگاه اطفال به ریاست قاضی فارسی به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شد. (یاس نو ۸۲/۴/۱۸)

۵۹- هفت دختر جوان سرنشین یک دستگاه خودروی «دو» به جرم آرایش غلیظ و بلند کردن صدای نوار و رقصیدن در خودرو ، در انتظار عمومی پس از محاکمه در یکی از شعب دادگاه عمومی شیراز هر کدام به ۵۰ ضربه شلاق محکوم شدند. (کیهان ۸۲/۸/۲۴)

۶۰- اداره اماکن نیروی انتظامی در یک اقدام گسترده به جمع آوری ضربتی مانتوهای کوتاه ، تنگ و چسبناک در تهران بزرگ پرداخت. مأموران امنیتی لباس شخصی به فروشگاه ها هجوم بردند و در مواردی فروشندگان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. (امیر کبیر ۸۲/۳/۵)

۶۱- احمد حسینی مدیر کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در مصاحبه با خبرنگاران یک بار دیگر بر اخراج زنان ایرانی که با مردان افغانی ازدواج کرده اند به همراه شوهران و فرزندانشان تأکید ورزید. وی افزود سازمان ملل بعد از سال ۲۰۰۴ به مهاجران افغانی مستقر در ایران هیچ کمکی ارائه نخواهد داد و پایان سال ۲۰۰۴ خاتمه وضعیت پناهندگی افغانی ها در ایران اعلام خواهد شد. وی در ادامه گفت خانواده های ایرانی بدانند براساس قوانین افغانستان تابعیت مرد افغانی بر زن ایرانی تحمیل می شود. این خانواده ها نیز باید به افغانستان باز گردند. (زنان ۸۲/۳/۷)

۶۲- رضوان نیری مشاور استاندار در امور بانوان و رئیس کمیته بانوان استان تهران گفت : «زنانی که با افغانه ازدواج می کنند ، جایگاه قانونی در کشور ندارند و مشکلات قانونی برای آنها به وجود می آید». وی افزود : «در بسیاری از شهرهای مرزی مثل مشهد و زاهدان و جنوب شهر تهران این موارد زیاد دیده می شود. به اعتقاد نیری اکثر این ازدواج ها در قشرهای محروم اتفاق می افتد». (ایلنا ۸۲/۸/۱۶)

۶۳- سارا ۱۸ ساله به جرم قتل در دادرسی جنایی تهران محکوم به اعدام شد. حکم صادره از سوی دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت. (یاس نو ۸۲/۶/۲۶)

۶۴- فائزه «الف» به جرم قتل بدستور قاضی جواد اسماعیلی در شعبه ۱۵۷ دادگاه جنایی تهران به اعدام ، زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. (قدس ۸۲/۱/۸)

۶۵- ماندانا نیکخو به اتهام قتل در شعبه ۱۶۱۲ دادگاه جنایی تهران به ریاست قاضی محمد عرفان محکوم به اعدام گردید. (ایسنا ۸۲/۱۲)

۶۶- کبری رحمتپور معروف به عروس ۲۰ ساله دو سال پیش مادر شوهر ۹۰ ساله خود را طی مشاجره لفظی با ضربات چاقو به قتل رساند و دادگاه جنایی او را به قصاص محکوم کرد. این حکم را دادرسان دیوان عالی کشور تأیید کردند و به این ترتیب دستور اجرای حکم اعدام کبری صادر شد. کبری در بیست سالگی به عقد مردی ۶۵ ساله در آمده بود و پس از گذشت چند ماه مرتکب قتل مادر شوهر ۹۰ ساله اش شد. کبری در دفاع از خود گفت : «من در آن خانه نه یک عروس ، بلکه به عنوان یک کلفت بسر می بردم و مجبور بودم سرکوفت ها و سرزنش ها و نیش زبان مادر شوهر پیرم را بشنوم ، چون نمی خواستم به خانواده فقیرم برگردم و سربار زندگی آنها شوم.» (اعتماد ۸۲/۸/۲۹)

۶۷- بنا به گزارش سازمان عفو بین الملل ، افسانه نوروژی در معرض خطر اعدام قریب الوقوع قرار دارد. افسانه نوروژی طبق گزارشات رسیده در سال ۱۹۹۷ پس از کشته شدن رئیس اطلاعات نیروهای انتظامی در کیش ، جنوب ایران ، دستگیر شد. مجازات مرگ برای افسانه نوروژی طبق گزارشات رسیده در ماه آگوست ۲۰۰۳ تأیید شد . سازمان عفو بین الملل از همه مدافعین حقوق بشر می خواهد با نوشتن نامه های اعتراضی به مقامات حکومتی در ایران لغو فوری حکم اعدام افسانه نوروژی را خواستار شوند . افسانه نوروژی در زندان بندرعباس در جنوب ایران نگهداری می شود که به خاطر شرایط ناهنجار معروف است . سازمان عفو بین الملل تاکنون ۸۳ مورد اعدام در سال جاری در ایران ثبت کرده است ، گرچه احتمال می رود رقم واقعی بسیار بالاتر از این رقم باشد.

سازمان عفو بین الملل مخالف مجازات اعدام به عنوان مجازاتی فوق العاده بیرحمانه ، غیر انسانی ، و توهم آمیز که در جهت نقض اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران به آن متعهد است ، می باشد. (اطلاعاتیه سازمان عفو بین الملل ۸۲/۷/۳)

مصطفی جهانگیری شوهر افسانه نوروژی از بد رفتاری با همسرش در زندان بندرعباس خبر می دهد. وی می گوید : «همسرم هیچ خطایی مرتکب نشده بود ولی به صورت مستقیم به صورتش گاز اشک آور پاشیدند ، اگر هم سولنی هایش کمک نکرده بودند با مشکل مواجه می شد.» افسانه نوروژی متهم است که ۶ سال پیش فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در جزیره کیش را با ضربات چاقو به قتل رسانیده است. نوروژی می گوید که مقتول قصد تجاوز به او را داشته و وی به قصد دفاع از خود مرتکب قتل شده است .

جهانگیری همچنین از سختگیری مسئولین زندان بندرعباس برای ملاقات وی با همسرش خبر می دهد و می افزاید : من بیش از ۳ سال است که برای ملاقات همسرم با سختی فراوان از تهران به بندرعباس می روم و در آخرین مراجعه ام مسئول زندان از من مدارک مربوط به ازدواج را خواست و این در حالی بود که خود این مرد قبلا مرا می شناخت و طی مدت یاد شده به من وقت ملاقات می داد . (شرق ۸۲/۷/۲۸)

صدور حکم سنگسار

۵۱- به گزارش آژانس خبری کلیسای کاتولیک ، یک زن ۳۵ ساله بنام شهناز در تاریخ چهارم اوت از جانب دیوان عالی ایران به جرم همکاری در قتل شوهرش در ۱۳ سال پیش ، محکوم به سنگسار شده است . (بازتاب ۸۲/۵/۲۳)

صدور حکم قصاص

۵۲- اعظم طبیبی ۲۱ ساله به اتهام پاشیدن اسید به صورت مردی برای دومین بار بدستور قاضی موسوی ، رئیس شعبه یکم دادگستری شهرستان بهبهان به قصاص محکوم شد. (اعتماد ۸۲/۸/۶)

نمایندگان مجلس شورای اسلامی

به انگیزه سالگرد کودتای اسفند 1299 (فوریه 1921)

= قسمت سوم و آخر =

آرش کمانگر

4- انقراض سلسله قاجار و از دست رفتن شانس استقرار جمهوری

" سپهدار " آخرین نخست وزیر ایران (تا قبل از کودتای سوم اسفند) علیرغم اینکه سعی کرده بود با دور زدن مجلس و فراخواندن یک شورای فوق العاده متشکل از فئودالها، سران قبایل و برخی سیاستمداران مرتجع، خواست استعمار بریتانیا را در مورد تحقق قرار داد اسارتبار 1919 برآورده کند، اما حتی همین شورای ارتجاعی نیز از ترس جنبش های آزادیخواهانه و ضد استعماری مردم در سراسر نقاط کشور، جرئت نکرد، این مطالبه را متحقق کند. انگلیسی ها خیلی زود متوجه شدند که نه تنها جو کشور مساعد پذیرش آن قرار داد ننگین نیست، بلکه عملاً اوضاع دارد به گونه ای پیش میرود که بسیاری از جنبش های مردمی تحت تأثیر انقلاب سوسیالیستی روسیه و نیز جنبش جمهوریخواهانه مردم ترکیه علیه سلسله پوسیده عثمانی، روز بروز بیشتر بطرف اندیشه های ترقیخواهانه و جمهوریخواهانه کشیده می شوند. از اینرو الویت استعمار بریتانیا دیگر اجرای قرار داد 1919 نبود، بلکه سرکوب این جنبش ها و تأسیس یک دولت مقتدر در ایران بود. وجود چنین دولت مرکزی مقتدری، بخصوص برای امنیت چاههای نفت جنوب (که تحت انحصار بلامنازع انگلیس بود) اهمیت بسزایی داشت.

اجرای این پروژه بصورت کودتا، مد نظر قرار گرفت و در همین راستا یک کمیته سری متشکل از پاره ای سیاستمداران وفادار استعمار در تهران تشکیل شد. نصرت الدوله که در آن زمان در لندن بسر میبرد، طی نشست با مقامات انگلیس، نقشه مشترکی را طراحی نمود. اجرای این نقشه در ایران، در بعد سیاسی بعهد " سید ضیاء طباطبائی " (مدیر روزنامه رعد و از مهره های وفادار انگلیس) و در بعد نظامی بعهد " رضا خان میر پنج " (کلنل تیپ قزاق) گذاشته شد. رضا خان مدتی پیش از کودتا، با تلاش ژنرال آبرون ساید فرمانده نظامی نیروهای انگلیس در ایران، به سرکرده گی دستجات قزاق گماشته شد که عملاً تنها سپاه منظم و مجهز ایران محسوب می شد و محل استقرار آن، معمولاً شهر قزوین بود. رضا خان در سال 1878 میلادی در " سواد کوه " مازندران در خانواده یک درجه دار ارتشی و خرده مالک بدینا آمد. او همچون پدرش از همان سنین جوانی وارد نیروهای نظامی شد و علیرغم ندیدن آموزش، بدلیل انضباط آهنین، خشونت و بیرحمی در جریان سرکوبهای نظامی، پی در پی ارتقای مقام پیدا

نمود تا اینکه در آستانه کودتای سوم اسفند 1921 (و البته به کمک ژنرال آبرون ساید) به فرماندهی تیپ قزاق (یعنی چالاک ترین بخش ارتش آنروز ایران) گمارده شد.

به هر رو در روز سوم اسفند، رضا خان تیپ قزاق را از قزوین بطرف تهران حرکت میدهد. این کودتا بدون خونریزی و بدون مقاومت چندان از سوی دولت "سپهدار" با محاصره و اشغال کلیه ادارات دولتی و نیز دستگیری حدود دویست نفر از اعیان، وزرای سابق و شماری از سیاستمداران، به پیروزی میرسد و دولت جدیدی بریاست " سید ضیاء " تشکیل می شود که در تاریخ ایران به "کابینه سپاه" معروف است. سید ضیاء بلافاصله پس از بقدرت رسیدن، رضا خان را ابتدا ملقب به "سردار سپه" می کند سپس دو ماه بعد او را به وزارت جنگ منصوب می نماید. دولت جدید در یک اعلامیه عوامفریبانه و با هدف فرو نشاندن جنبش های انقلابی مردم، ضمن ملغی اعلام کردن موافقتنامه 1919 (که البته در این مقطع خود انگلیس نیز به غیر عملی بودن آن و عدم امکان تبدیل ایران به هندوستانی دیگر رسیده بود) سخن از مبارزه با آریستوکراسی و فساد دولتی و تلاش برای استقرار دموکراسی و بهبود وضعیت کارگران و دهقانان (از جمله تقسیم زمین های دولتی میان دهقانان) کرده بود، وعده هایی که هیچگاه عملی نشدند.

دولت سید ضیاء همچنین چند هفته بعد قرار دادی را با روسیه شوروی در مسکو به امضاء رساند. در جریان این قرار داد دولت لنین کلیه قروض هنگفت ایران به روسیه تزاری را بخشید و ضمن ملغی اعلام کردن کلیه قرار دادهای اسارتبار رژیم تزاری در قبال ایران، کلیه سرمایه های روسیه در ایران را به دولت ایران واگذار کرد، در عوض دولت ایران متعهد می شود که این امتیازات و تأسیسات و غیره را به یک دولت خارجی دیگر واگذار نکند. در همین راستا جزیره " آشوراده " و برخی دیگر از جزایر دریای خزر نیز به ایران مسترد شد.

تأثیر این قرار داد آنچنان بود که در تاریخ 21 ژوئن 1921 روزنامه " گلشن " از قول رضا خان (وزیر جنگ) نوشت :

" آن روسیه آزادی که رژیم دیکتاتوری تزاریسم را بر انداخت، نه تنها خود را از یوغ استبداد رها نید بلکه کشور های همسایه را نیز از این یوغ نجات داد. این همان روسیه ای است که کلیه امتیازات ظالمانه دولت تزاری را لغو کرد و تمام تأسیسات خود را مجاناً به ایران برگرداند."

ژست ها و اظهار نظرهایی از این دست، سبب خوشبختی بخشهای از مردم و سیاستمداران و حتی دولت لنین در مورد ماهیت واقعی رژیم کودتا شد. به تصور آنها رضا خان عنصری ملی و مستقل محسوب می شد که از طریق لگام زدن بر فعال مائشایی فئودالها، دارد ایران را همچون ترکیه بسوی یک جمهوری مدرن سوق میدهد. غافل از اینکه، بساط یک دیکتاتوری وابسته به امپریالیست ها دارد مهیا می شود. رضاخان که دانما در پی گسترش قدرت خود بود، کمی بعد با سید ضیاء اختلاف پیدا

می کند و احمد شاه نیز که از سید ضیاء چندان راضی نبود، فرمان عزل او را صادر و وی با اسکورت قزاقان به بغداد تبعید می شود. بجای او قوام السلطنه (انگولفیل معروف) به نخست وزیر میرسد. قوام برادر وثوق الدوله و از فئودالهای بزرگ گیلان بود. قاسمی در کتاب خود " تاریخ خانواده ها در ایران) می نویسد که قوام در زمان تصدی پست استانداری خراسان، روابط نزدیکی با انگلیسی ها داشت و به آنها اجازه میداد که در مشهد سازمانهای جاسوسی خود

سالگرد کودتا

را بر پا کنند. این مراکز جاسوسی وظیفه هدایت و کمک به ضد انقلابیون شوروی از طریق مرز ترکمنستان را بعهده داشتند. در کابینه جدید رضا خان کماکان پست وزارت جنگ را بر عهده داشت. یکی از نخستین اقدامات این دولت؛ سرکوب نهضت گیلان و جمهوری تازه تأسیس آن بود. بیروزی قوای دولتی برهبری رضا خان موقعی حاصل شد که در درون جبهه ائتلافی گیلان، میان نیروهای چپ و نیروهای میرزا کوچک خان اختلاف بروز کرد. میرزا کوچک خان که از رشد کمونیستها و اقدامات آنها به نفع افشار زحمتکش و تهیدست به هراس افتاده بود، طی توطئه ای زمانی که اعضای کمیته انقلابی جمهوری گیلان در محلی بنام پسیخان (در نزدیکی رشت) در هفتم مهر ماه 1300 شمسی، تشکیل جلسه داده بودند، را محاصره و آنها را به گلوله می بندند که در نتیجه آن حیدر عمواغلی و سایر رهبران چپ، گشته می شوند. بعد از این رویداد جنایتکارانه، بین نیروهای میرزا و نیروهای خالوقربان نیز که به قشون شاه پیوسته بودند، اختلاف افتاده و جنگهایی بین آنها صورت می گیرد.

قوای دولت در اواسط پائیز تمامی گیلان را به تصرف خود در میآورند و خود میرزا نیز در کوهستانهای طالش جان خود را از دست میدهد. در پائیز همان سال شورش مردم و بخشی از قوای مسلح دولتی به رهبری کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان نیز سرکوب می شود و خود وی در یک درگیری جان خویش را از دست میدهد. قوای اعزامی مرکز در تاریخ اول نوامبر 1921 وارد مشهد می شوند و شرکت کنندگان در قیام به شدت سرکوب و به قتل میرسند.

اما به رغم سرکوب خشن جنبش های گیلان و خراسان، مبارزه کماکان در برخی از نقاط کشور ادامه داشت. از جمله اینکه طی سالهای 1921 و 1922 برای نخستین بار اعتصابات متعدد کارگری در تهران، انزلی و معادن نفت جنوب صورت می گیرد. در پائیز 1921 در تهران، شورای مرکزی اتحادیه های کارگری تشکیل می شود که حدود 20 اتحادیه را متشکل می کرد. همچنین در تبریز، یکسال پس از سرکوب نهضت محمد خیابانی، قیام دیگری در بهمن 1922 صورت می گیرد و شهر بدست قیام کننده گان می افتد، اما این قیام نیز بعد از یک هفته سرکوب می شود. رضا خان در ادامه " راهپیمایی " خود برای کنترل بلامنازع حکومت، با گرفتن ژست های ملی گرایانه و جمهوریخواهانه، سمپاتی افشاری از مردم و مجلسیان را که در تشکل ائتلافی جدیدالتاسیسی بنام

" اتحاد ملی " جمع شده بودند، جلب می کند و قوام هم ناگزیر از استعفاء می شود. جای او را مشیرالدوله اشغال می کند که در کابینه او رضا خان کماکان پست وزارت جنگ را برای خود حفظ

می کند. ضمن اینکه به بهانه اعلام حکومت نظامی در بسیاری از مناطق، عملاً امور دولتی در بسیاری از استانها توسط نظامیان تحت امر رضا خان، اداره می شد. دولت مشیرالدوله نیز بعد از چند ماه سقوط می کند و قوام السلطنه مجدداً جای او را می گیرد. قوام بطور وسیعی آمریکائیها و مستشاران آنها را به ایران دعوت می کند. دولت او با موجی از اعتصابات کارگری و اعتراضات " اتحاد ملی " روبرو می شود، از اینرو در ژانویه 1923 دوباره ناگزیر از استعفاء می شود و جای خود را به مستوفی الممالک می سپارد. در

فاصله یکسال دو بار دیگر نیز دولت عوض می شود و در همه کابینه ها، رضا خان پست خود را حفظ می کند. تا اینکه در اکتبر 1923 " احمد شاه " خود رضا خان را به مقام نخست وزیری می گمارد. رضا خان بعد از این جهش، احمد شاه را وادار می کند که به خارج سفر کند و برادر او را که به مقام نائب السلطنه رسیده بود، وادار می نماید که در امورات دولتی دخالت نکند. در همین موقع که سلسله قاجار آخرین نفس های خود را می کشید، نهضت های جمهوریخواهانه بیش از هر زمان سمپاتی مردم را جلب می کرد و رضا خان برای اینکه نقشه خود را عملی کند با این اندیشه ها همسویی نشان میداد. رشد این جنبش ها، هراس روحانیون، اشراف و فئودالها را که بطور سنتی با نظام سلطنت انس بیشتری داشتند، بر می انگیزاند. آنها طی ملاقاتهایی که با رضا خان

می کنند، به او وعده میدهند که در ازای سرکوب جنبشهای مردمی و جمهوریخواهانه، حاضرند سلطنت وی را به رسمیت بشناسند یعنی به او کمک کنند که سلسله قاجار را منقرض و سلسله پادشاهی رضا خان را تأسیس کند. از اینرو رضا خان در مارس 1924 بعد از ملاقات با مراجعه مذهبی در قم، اعلامیه ای صادر و در آن از مردم میخواهد: " فکر جمهوری را از سر بدر کنند و تمام هم و کوشش خود را صرف تحکیم حکومت از طریق اصلاحات نمایند و از مخالفت دست بردارند و از هدفهای مقدس تحکیم ایمان، استقلال، حکومت و دولت ملی پشتیبانی نمایند ". وی در آن اعلامیه، کلی برای دین اسلام و مراجع روحانی نیز مایه گذاشته بود. رضا خان در همان سال 1924 شورش شیخ خزعل در خوزستان و در سال 1925 شورش کردها به رهبری اسماعیل سمیتقو را سرکوب می کند. همین شدت عمل برای سرکوب ترکمن ها نیز بکار می رود. بعد از این وقایع، رضا خان مجلس شورای ملی را تحت فشار قرار میدهد که بر خلاف قانون اساسی که مقام فرماندهی کل قوا را انحصاراً در اختیار شاه میدانست، این پست کلیدی را به او اعطا کند و این مصوبه در تاریخ 14 فوریه رسماً ابلاغ شد. کمی بعد در اکتبر 1925، مجلس مجدداً زیر فشار قرار گرفت تا نه تنها انقضای سلسله قاجار را اعلام کند بلکه اداره موقت کشور را بدست رضا خان بسپارد تا از طریق فرا خواندن یک " مجلس موسسان " شکل حکومت را تعیین کند. یک روز پس از این اقدام، رضا خان طی اعلامیه ای ضمن تأکید بر اجرای قوانین اسلام - از جمله - منع فروش مشروبات الکلی - تلاش نمود که سمپاتی بیشتری از روحانیون طراز اول آنزمان بدست آورد. همزمان با این اقدام، صحنه سازی برای برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس موسسان آغاز شد. در این انتخابات که در ماه نوامبر 1925 صورت گرفت، نه تنها نیمی از جمعیت یعنی زنان، حق رأی نداشتند بلکه اکثریت زحمتکش جامعه نیز از حق انتخاب شدن بهره مند نبودند. لیست کاندیداهای مجلس موسسان، از قبل توسط ادارات دولتی و پلیس تهیه شده بود و تقریباً همه آنها مدافع پادشاهی رضا خان بودند. بدین ترتیب مشتی فتودال، سرمایه دار، روحانی، سرکرده قیابلی و سیاستمداران مرتجع و خود فروخته در 12 دسامبر 1925 (1304 شمسی)، رضا خان را شاه ایران اعلام کرده و بر مبنای آن، کلیه مواد قانون اساسی را که به سلسله قاجار اشاره داشت، حذف و بجای آن از واژه "خاندان پهلوی" استفاده نمودند.

در آنزمان دکتر مصدق جزو چند نفر نماینده ای بود که با این تغییر مخالفت کرد، اما همانطور که گفته شد، اکثریت نماینده گان از قبل، دست چین و با تهدید یا تطمیع، مطیع شده بودند.

فعالیت‌های مربوط به روز جهانی زن در ایران!

با نزدیک شدن روز هشت مارس، دانشگاه‌های شهرهای مختلف برای برگزاری برنامه گرامیداشت این روز با همکاری سازمان‌های غیردولتی زنان و فعالان این حوزه آماده شده اند. در تهران، گروهی از دانشجویان دانشکده مدیریت دانشگاه تهران با برگزاری برنامه ای علیه خشونت آماده شدند. در این برنامه که روز شنبه سیزده اسفند برگزار شد مباحثی درباره تفکیک جنسیتی و جدا شدن فضاهای دخترانه و پسرانه، میزان آگاهی فمینیستی دختران نسبت به میزان حضورشان در دانشگاه‌ها و... مطرح شد. پرستو دو کوهکی، رویا کریم مجد و... از سخنرانان این مراسم بودند. همچنین بخش دیگری از این مراسم که با همکاری سایت زنان ایران برگزار می شد به خشونت خیابانی اختصاص خواهد یافت. در این بخش نتایج تحقیق از هزار و صد زن تهرانی درباره خشونت خیابانی ارائه شد. همچنین سمینار بررسی خشونت علیه زنان از سوی انجمن اسلامی دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران روز سه‌شنبه نوزده اسفندماه برگزار شد. در این سمینار حقوقدانان، وکلای دادگستری و فعالان جنبش زنان از جمله دکتر رسولیان، مهاجر، ارزنی و حقی سخنرانی داشتند. در این سمینار فیلم مستندی از خشونت علیه زنان به نمایش گذاشته شد و نمایشگاه عکسی نیز در این دانشکده برپا گردید.

انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر نیز برنامه ای با موضوع "زنان و اصلاحات" برگزار خواهد نمود که در روز هشتم مارس برگزار خواهد شد. تاکنون سخنرانی زیبا جلالی نایینی در این برنامه قطعی شده است.

قرار است برنامه‌هایی نیز در دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه رجایی و دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شود. بعلاوه مرکز فرهنگی زنان به همراه چند سازمان غیردولتی دیگر تجمعی را در پارک لاله سازماندهی کرده اند که هدف آن اعتراض به خشونت علیه زنان است. در اصفهان، انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان برنامه ای چند روزه را تدارک می بینند. فاطمه راکعی، از سخنرانان این برنامه خواهد بود و فیلم مستند "زنانه" در این برنامه به نمایش خواهد آمد. گروه تحقیق "خشونت خانگی" سایت زنان ایران نیز نتایج تحقیق خود را در این زمینه به همراه دو فتو کلیپ ارائه خواهند داد. تربیون آزاد درباره خشونت خیابانی نیز بخش دیگری از این برنامه خواهد بود.

گروه مطالعات زنان دانشگاه مازندران نیز همایش حقوق زن را در روز دوشنبه، هشت مارس برگزار خواهد کرد. در این برنامه فریده غیرت، عضو هیات مدیره کانون وکلای دادگستری، شادی صدر و... سخنرانی خواهند داشت. در دانشگاه‌های بزد و تبریز نیز قرار است برنامه‌هایی برای بزرگداشت روز جهانی زن برگزار کنند.

سالگرد کودتا

بدین ترتیب در لحظاتی که کشور ما می توانست با سپردن سلطنت قاجار به بایگانی تاریخ، زمینه های استقرار جمهوری و دموکراسی را فراهم کند، طبقات و اقشار ارتجاعی با کمک استعمارگران، بساط یک دیکتاتوری سلطنتی هولناک را در ایران پهن کردند که به مدت نیم قرن سایه شوم خود را بر آسمان کشورمان گستراند.

* * *

استبداد، خفقان، وابستگی به امپریالیسم، فساد، چپاول ثروت ملی کشور (و بیش از همه نفت) و حراست از نابرابریهای طبقاتی فئودالی در دوره رضا خان و بورژوازی در دوره محمد رضا پهلوی، بیان سلطنت پهلوی در ایران بود، که اگر جز این بود، انقلاب 1357 ضرورتی برای وقوع نمی یافت. اینک که اکثریت مردم کشورمان، عزم خود را برای دفن خلافت اسلامی، جزم کرده اند، وارثان و درباریان سابق و حامیان آنها، جو را آنقدر مناسب می بینند که سخن از احیای سلطنت پهلوی به میان می‌آورند. آنها می‌خواهند حکومت ارتجاعی دینی را با یک حکومت ارتجاعی موروثی تعویض کنند. در تاریخ چند هزار ساله ایران، هیچگاه چنین حادثه ای رخ نداده، یعنی هیچگاه خاندان منقرض شده، مجدداً با خلع پد از خاندانان سلطنتی حاکم، بقدرت نرسیده است. اما با وجود غیر تاریخی بودن چنین تلاشی (و از جمله تجربه افغانستان که ظاهر شاه نتوانست سلطنت خود را احیاء کند) سلطنت طلبان ایرانی با استقاده از همه امکانات مالی، بینالمللی و تبلیغاتی خویش، می‌خواهند هر طور شده شانس خود را امتحان کنند. نگذاریم حدیث تکراری دهها سال تلاش و ناکامی مردم کشورمان برای برخورداری از دموکراسی، جمهوری و عدالت، دوباره تجربه شود و شیخ و شاه، گاهی در اتحاد با هم و گاهی در تقابل با هم، مردم ایران را از حق تعیین سرنوشت شان برای برخورداری از حکومتی از آن خود و برای خود (فارغ از وراثت و دیانت) محروم کنند.

فوریه 2004

پایان

منابع:

- 1- ریشه های انقلاب ایران، نوشته نیکی آر. کدی (ایرانشناس آمریکایی)
- 2- تاریخ نوین ایران، نوشته "م.س. ایوانف" (ایرانشناس روس)
- 3- تاریخ بیست ساله ایران، نوشته حسین مکی
- 4- انگلیسی ها در میان ایرانیان، نوشته "دنيس رایت"
- 5- روابط انگلیس و روس (1917-21) نوشته "آر. اچ. اولمن"
- 6- ناسیونالیسم در ایران، نوشته "ار. دابلویو. کاتام"
- 7- ایران: در گذشته و حال، نوشته "ویلیبر"